

آرمون سخت حکمرانی اقتصادی



عاطفه خسروی
مدیر مسئول

هفته دولت در ادبیات رسمی کشورمان، معمولاً زمان ارائه کارنامه دستگاه‌های اجرایی و بازخوانی دستاوردهای دولت است؛ اما در سالی که اقتصاد ایران هم‌زمان زیر فشار تورم، تحریم، ناترازی‌های مزمن و شوک‌های امنیتی و نظامی قرار گرفته، سنجش عملکرد دولت چهاردهم به مراتب پیچیده‌تر از مقایسه چند عدد و نمودار اقتصادی خواهد بود. دولت مسعود پزشکیان در شرایطی مسئولیت اداره اقتصاد ایران را بر عهده گرفت که بخش مهمی از مشکلات اقتصادی، ریشه‌های چندساله و حتی چنددهه‌ای داشت. کسری بودجه، ناترازی بانک‌ها، بحران انرژی، فرسودگی زیرساخت‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری، تحریم‌های خارجی، دشواری دسترسی به منابع مالی بین‌المللی، تورم مزمن و کاهش قدرت خرید خانوارها، مشکلاتی نبودند که با تغییر یک دولت آغاز شده باشند یا بتوان انتظار داشت در دو سال پایان یابند. به علاوه اینکه اقتصاد ایران در فاصله دو سال نخست فعالیت دولت با سلسله شوک‌های سیاسی و امنیتی مواجه شد که بدون شک ارزیابی عملکرد اقتصادی را دشوار می‌کنند. جنگ و تنش نظامی فقط به معنای تخریب فیزیکی یا توقف فعالیت برخی بنگاه‌ها نیست. جنگ می‌تواند انتظارات تورمی را افزایش دهد، نرخ ارز را تحت فشار قرار دهد، سرمایه‌گذاری را عقب بیندازد، هزینه حمل‌ونقل و بیمه را بالا ببرد، تجارت خارجی را مختل کند، درآمدهای دولت را تحت فشار قرار دهد و منابع عمومی را از توسعه به سمت مدیریت بحران سوق دهد.

بررسی وضعیت اقتصاد‌های کلان اقتصادی از جمله تورم، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و اشتغال، معیار سنجش عملکرد دولت است. یکی از نخستین شاخص‌ها، رشد اقتصادی است. براساس محاسبات بانک مرکزی، اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۳، یعنی نخستین سال فعالیت دولت چهاردهم، با احتساب نفت ۳.۱ درصد و بدون نفت ۳ درصد رشد کرد. این عدد در نگاه نخست مثبت است. اقتصاد ایران پس از سال‌ها تجربه رشدهای ناپایدار و دوره‌های رکود، همچنان توانسته رشد مثبت ثبت کند. اما مسئله مهم، ترکیب این رشد و پایداری آن است. اقتصادی که برای رشد بلندمدت به سرمایه‌گذاری گسترده، افزایش بهره‌وری، توسعه بخش صنعت و تقویت ظرفیت تولید نیاز دارد، نمی‌تواند صرفاً با افزایش تولید نفت یا ظرفیت تولید موجود، مسیر رشد پایدار را طی کند.

اهمیت این مسئله زمانی بیشتر آشکار می‌شود که به سال ۱۴۰۴ نگاه کنیم. بر اساس آخرین نتایج حساب‌های ملی مرکز آمار، رشد اقتصادی سالل ۱۴۰۴ تنها ۰.۲ درصد بوده و رشد بدون نفت به منفی ۰.۳ درصد رسیده است. هرچند که نمی‌توان و نباید نقش مواردی از قبیل افزایش نااطمینانی سیاسی، تحریم، فشارهای خارجی و شوک‌های نظامی در این دوره را بر نتایج به‌دست آمده نادیده گرفت.

اگر رشد اقتصادی شاخصی کلان و تاحدی انتزاعی باشد، تورم شاخصی است که مردم آن را هر روز در زندگی خود لمس می‌کنند. در اردیبهشت ۱۴۰۴، تورم سالانه کشور ۳۳.۹ درصد و تورم نقطه‌به‌نقطه ۳۸.۷ درصد اعلام شد. این یعنی حتی در شرایطی که دولت از رشد اقتصادی با افزایش تولید سخن می‌گوید، خانوار ایرانی با افزایش قابل توجه هزینه‌های زندگی مواجه بوده است. بازار ارز و ناترازی انرژی هم که از مشکلات ثابت چند سال اخیر اقتصاد ایران بوده‌اند.

از سوی دیگر در ارزیابی اقتصاد دولت چهاردهم، نمی‌توان اثر جنگ و تنش نظامی را نادیده گرفت. چنانچه اقتصاد ایران پیش‌از این نیز به دلیل تحریم و نااطمینانی ژئوپلیتیک، با «ریسک سیاسی» بالایی مواجه بود و حالا جنگ این ریسک را به یک متغیر مستقیم اقتصادی تبدیل کرده است.

اگر پیش از جنگ، کسری بودجه، ناترازی بانک‌ها، بحران انرژی، تورم و ضعف سرمایه‌گذاری وجود داشته است، جنگ این مشکلات را تشدید کرده، اما علت ایجاد همه آنها نبوده است. بنابراین در کارنامه دولت باید میزان «بحران‌هایی که دولت به ارث برد» و «مشکلاتی که در دوره دولت تشدید یا ایجاد شد» تفکیک کرد.

نکته قابل تامل اینکه نمی‌توان و نباید اقتصاد دوران جنگ را با خط‌کش اقتصاد دوران ثبات اندازه گرفت. هرچند که نباید همه ناگامی‌ها را نیز به جنگ نسبت داد.

بنابراین شاید مهم‌ترین پرسش درباره دو سال گذشته این باشد که دولت پزشکیان اساساً فرصت اجرای برنامه‌های اصلاحی داشته یا بیشتر در گیر مدیریت بحران بوده است. شواهد حکایت از قرارگیری دولت در حالت دوم بوده و با این وجود نمی‌توان از گام‌های موثر دولت در اجرای برنامه‌های اصلاحی هم به‌سادگی گذشت.

بالبین‌همه اقتصاد ایران امروز بیش از هر چیز به یک چیز نیاز دارد و آن «قابل پیش‌بینی شدن آینده» است. سرمایه‌گذار باید بداند مقررات فردا چیست؛ کارگر باید بداند قدرت خریدش چه می‌شود؛ تولیدکننده باید بداند برق و ارز و مواد اولیه خواهد داشت؛ خانوار باید بتواند برای آینده تصمیم بگیرد و دولت باید بتواند منابع محدود خود را به جای واکنش دائمی به بحران، صرف ساختن ظرفیت‌های جدید کند.

اگر دولت چهاردهم بتواند در ادامه مسیر، از «دولت مدیریت بحران» به «دولت اصلاح ساختار» عبور کند، می‌توان از جنگ و بحران به‌عنوان دوره‌ای دشوار اما گذرا یاد کرد. اما اگر بحران، تورم، کسری بودجه، ناترازی انرژی و بی‌ثباتی اقتصادی به وضعیت دائمی تبدیل شوند، آن‌گاه جنگ تنها بخشی از توضیح ماجرا خواهد بود، نه تمام آن. و شاید این دقیق‌ترین معیار برای سنجش کارنامه دولت در هفته دولت باشد:

دولت در دو سال گذشته چقدر در مدیریت مشکلات امروز موفق بوده؟ و مهم‌تر از آن در کاهش احتمال تکرار همین مشکلات در آینده چه اقدامات و برنامه‌هایی داشته و دارد؟

این همان مرزی است که میان «مدیریت روزمره اقتصاد» و «حکمرانی اقتصادی» قرار دارد و قضاوت نهایی درباره دولت چهاردهم، بیش از آنکه در پای یک یا دو سال خلاصه شود، به عملکرد آن در همین مرز بستگی خواهد داشت.

اقتصاد و توسعه

سال‌های سخت با پزشک‌یان

می‌پر سسند این وفاق تا چه اندازه توانسته به تغییر ملموس در زندگی روزمره مردم منجر شود. برای افکار عمومی، موفقیت یک دولت در نهایت نه فقط در تعداد جلسات برنامه‌ها و تفاهم‌ها، بلکه در نرخ کالاها، قدرت خرید، وضعیت اشتغال، مسکن، خدمات عمومی و چشم‌انداز آینده اقتصاد سنجیده می‌شود. از همین منظر، کارنامه دو ساله دولت چهاردهم را نمی‌توان بدون بررسی دقیق وضعیت معیشت و اقتصاد را یابی کرد. پرونده پیش‌رو تلاش می‌کند بدون گرفتار شدن در دو گانه «دستاوردهایی» و «سیاه‌نمایی». تصویری چندوجهی از دو سال نخست دولت چهاردهم ارائه دهد. هفته دولت، در این نگاه، نه فقط زمان ارائه گزارش عملکرد، بلکه فرصتی برای سنجش فاصله میان وعده و عمل است؛ فاصله‌ای که می‌تواند مهم‌ترین معیار قضاوت درباره دو سال نخست دولت چهاردهم باشد.

مضاعفی بر دولت و اقتصاد کشور وارد کرد. بررسی‌های منتشرشده درباره عملکرد دو ساله دولت نشان می‌دهد که شاخص‌های اقتصادی همچنان تحت تأثیر تورم، نوسانات ارزی و کاهش قدرت خرید قرار داشته‌اند و جنگ و تحریم نیز بر دشواری‌های موجود افزوده‌اند. به علاوه اینکه جنگ لاجرم بر تمام اقدامات و برنامه‌های دولت تأثیر غیرقابل انکاری داشته و دارد. با این حال، ارزیابی کارنامه دولت تنها با تکیه بر شاخص‌های اقتصادی کامل نمی‌شود. دولت پزشک‌یان از ابتدا تلاش کرد با ترکیب نیروهای سیاسی مختلف و تأکید بر تعامل میان قوا، رویکردی متفاوت در مدیریت کشور ایجاد کند. حامیان دولت، «وفاق» و تلاش برای ایجاد انسجام در ساختار سیاسی و اجتماعی از مهم‌ترین دستاوردهای دو سال نخست می‌دانند؛ رویکردی که در روایت رسمی دولت نیز جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. در مقابل، منتقدان

هفته دولت امسال، بیش از آنکه صرفاً فرصتی برای ارائه گزارش عملکرد دستگاه‌های اجرایی باشد، می‌تواند بهانه‌ای برای بازخوانی دو سال نخست فعالیت دولت چهاردهم باشد؛ دو سالی که برای دولت مسعود پزشکیان با مجموعه‌ای از بحران‌ها، تغییرات و آزمون‌های کم‌سابقه همراه شد. دولتی که در آغاز کار، «وفاق ملی» و کاهش شکاف‌های سیاسی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای خود مطرح کرد، اکنون در آستانه سومین سال فعالیت، با کارنامه‌ای مواجه است که هم نقاط قوت و دستاورد دارد و هم پرسش‌ها و چالش‌های جدی پیش روی آن قرار گرفته است. دولت چهاردهم در مرداد ۱۴۰۳ در شرایطی کار خود را آغاز کرد که اقتصاد ایران همچنان با تورم، تحریم، ناترازی‌های انرژی و مالی، کاهش قدرت خرید خانوارها و مشکلات ساختاری تولید دست‌وپنجه نرم می‌کرد. در ادامه نیز تحولات منطقه‌ای و درگیری‌های نظامی، فشار

کارنامه دو ساله دولت در آینه اقتصاد

دو سال پس از آغاز به کار دولت چهاردهم، کارنامه اقتصادی پزشک‌یان در حالی بررسی می‌شود که اقتصاد ایران از تورم ۳۵ درصدی، دلار ۶۰ هزار تومانی و بحران‌های انباشته تحویل گرفته شد و امروز همچنان با چالش‌هایی مانند معیشت، ارز، مسکن و ناترازی انرژی دست‌وپنجه نرم می‌کند. کارشناسان معتقدند مهم‌ترین آزمون دولت پزشک‌یان در ادامه مسیر، عبور از «مدیریت بحران» و حرکت به سمت «اصلاح ساختاری» است

دولت چهاردهم در مرداد ۱۴۰۳ اقتصادی را تحویل گرفت که بخش مهمی از مشکلات آن حاصل انباشت چندین سال سیاست‌گذاری و محدودیت‌های ساختاری بود. تورم مزمن، کاهش ارزش پول ملی، رشد هزینه‌های زندگی، کسری بودجه، مشکلات نظام بانکی، کاهش سرمایه‌گذاری و ناترازی انرژی، مجموعه‌ای

تورم مهم‌ترین میراث دولت چهاردهم

یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که عملکرد اقتصادی هر دولت با آن سنجیده می‌شود، نرخ تورم و اثر آن بر زندگی خانوارهاست. دولت پزشک‌یان در شرایطی فعالیت خود را آغاز کرد که تورم سالانه در محدوده ۳۵ درصد قرار داشت و خانوارهای ایرانی طی چند سال قبل از آن، افزایش مداوم نرخ کالاها و خدمات را تجربه کرده بودند. اما در پایان دومین سال فعالیت دولت چهاردهم، طبق اعلام مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه در تیرماه ۱۴۰۵ به حدود ۶۶ درصد رسید. این روند نشان می‌دهد اگرچه سیاست‌گذار تلاش کرده برخی

تغییرهای اقتصادی را کنترل کند، اما مجموعه عواملی مانند کسری بودجه، رشد هزینه تولید، نرخ ارز، تحریم‌ها و نااطمینانی سیاسی همچنان فشار تورمی را حفظ کرده‌اند. در کنار تورم، رشد نقدینگی نیز یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد ایران بود. حجم نقدینگی در پایان خرداد ۱۴۰۳ از مرز ۸ هزار هزار میلیارد تومان عبور کرده بود؛ تغییری که کارشناسان اقتصادی آن را یکی از عوامل مهم اثرگذار بر تورم می‌دانند، هرچند تأکید دارند تورم ایران تنها ناشی از نقدینگی نیست و عوامل متعددی در شکل‌گیری آن نقش دارند.

طلا؛ رشد بیش از ۴۰۰ درصدی دارایی امن مردم

۴۳ درصد افزایش یافته است؛ رشدی که نشان می‌دهد در شرایط تورمی، بسیاری از مردم برای حفظ ارزش دارایی خود به سمت بازارهای غیرمولد حرکت کرده‌اند. رشد نرخ طلا و افزایش تقاضا برای دارایی‌های امن، یک پیام مهم برای سیاست‌گذار اقتصادی دارد؛ زمانی که اعتماد عمومی نسبت به آینده اقتصاد کاهش پیدا می‌کند، سرمایه‌ها به جای حرکت به سمت تولید و سرمایه‌گذاری بلندمدت، به سمت بازارهایی مانند ارز و طلا هدایت می‌شوند.

بورس؛ رشد شاخص اما تداوم بحران اعتماد

سرمایه‌گذاران است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده افزایش عدد شاخص به تنهایی نمی‌تواند به معنای رونق پایدار بازار باشد. عواملی مانند نرخ بهره بالا، قیمت‌گذاری دستوری، سیاست‌های ارزی، تصمیم‌های ناگهانی اقتصادی و نبود چشم‌انداز روشن برای صنایع، همچنان از مهم‌ترین موانع رشد پایدار بورس محسوب می‌شوند.

خودرو؛ بازاری گرفتار سیاست‌گذاری

بازار خودرو نیز در دو سال گذشته مسیر متفاوتی نسبت به ارز و فاصله بگیرد. افزایش هزینه تولید، رشد نرخ ارز، محدودیت عرضه و نبود رقابت کافی باعث شد نرخ خودرو همچنان تحت تأثیر عوامل اقتصادی و سیاستی قرار داشته باشد. خودروهای پر تقاضایی مانند پژو ۲۰۷، دنا، تارا و شاهین در این دوره افزایش نرخ را تجربه کردند و

رشد اقتصادی؛ فاصله میان آمار و واقعیت زندگی مردم

رشد اقتصادی یکی از شاخص‌هایی است که دولت‌ها معمولاً برای ارزیابی عملکرد خود به آن استناد می‌کنند. اقتصاد ایران در سال‌های اخیر در برخی مقاطع رشد مثبت را تجربه کرده، اما بخش مهمی از این رشد تحت تأثیر افزایش تولید و صادرات نفت بوده است. کارشناسان اقتصادی معتقدند رشد اقتصادی زمانی می‌تواند به بهبود شرایط مردم منجر شود که همراه با افزایش سرمایه‌گذاری، فرسودگی بخشی از تجهیزات و مشکلات تأمین سوخت نیروگاه‌ها باعث شد ناترازی برق همچنان ادامه پیدا

انرژی؛ ناترازی که به تولید رسید

بحران انرژی یکی از مهم‌ترین چالش‌های زیرساختی اقتصاد ایران در دو سال گذشته بود. دولت چهاردهم در شرایطی فعالیت خود را آغاز کرد که ناترازی میان تولید و مصرف برق و گاز به یکی از مشکلات جدی کشور تبدیل شده بود. ظرفیت اسمی نیروگاهی کشور از مرز ۱۰۰ هزار مگاوات عبور کرده است، اما رشد مصرف، کمبود سرمایه‌گذاری، فرسودگی بخشی از تجهیزات و مشکلات تأمین سوخت نیروگاه‌ها باعث شد ناترازی برق همچنان ادامه پیدا

جنگ و سیاست؛ اقتصاد زیر سایه نااطمینانی

دو سال نخست دولت پزشک‌یان با تحولات سیاسی و امنیتی مهمی همراه بود. افزایش تنش‌های منطقه‌ای، جنگ و فشارهای خارجی باعث شد فضای اقتصادی کشور بیش از گذشته تحت تأثیر نااطمینانی قرار بگیرد. در اقتصاد ایران، هر افزایش ریسک سیاسی معمولاً با واکنش سریع بازار ارز و طلا همراه می‌شود. سرمایه‌گذاران نیز در چنین شرایطی تصمیم‌های خود را با احتیاط بیشتری اتخاذ می‌کنند و بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری به تعویق می‌افتد. نااطمینانی یکی از هزینه‌های پنهان اقتصاد است؛ هزینه‌ای که شاید در آمارهای رسمی به‌راحتی دیده نشود، اما بر رفتار فعالان اقتصادی، میزان سرمایه‌گذاری و چشم‌انداز رشد اثر مستقیم دارد.



تصمیم‌گیری کارشناسی مدیریت کند. با این حال، عملکرد دو ساله اقتصاد نشان می‌دهد اجرای این رویکرد در شرایطی که اقتصاد ایران هم‌زمان با تحریم، بحران‌های سیاسی، محدودیت منابع ارزی و مشکلات ساختاری مواجه است، با چالش‌های جدی همراه بوده است.

از پرونده‌های سنگین اقتصادی بودند که دولت جدید باید برای آنها راه‌حل پیدا می‌کرد. مسعود پزشکیان در جریان انتخابات بارها تأکید کرده بود که «اهل شوک‌درمانی نیست» و تلاش خواهد کرد اقتصاد را بسا ایجاد ثبات، کاهش فشار بر مردم و

دلار؛ وعده ثبات ارزی و رشد ۲۰۰ درصدی

بازار ارز یکی از مهم‌ترین آزمون‌های دولت پزشک‌یان در دو سال گذشته بود. دلار در زمان آغاز فعالیت دولت چهاردهم در محدوده ۵۹ تا ۶۰ هزار تومان معامله می‌شد و یکی از وعده‌های اصلی دولت، ایجاد ثبات در بازار ارز و کاهش نااطمینانی اقتصادی بود. با این حال، افزایش ریسک‌های سیاسی، تحریم‌ها، تورم انباشته، محدودیت‌های ارزی و افزایش انتظارات تورمی باعث شد بازار ارز مسیر متفاوتی را طی کند. نرخ دلار در مقطعی از ۱۹۰ هزار تومان عبور کرد و به یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های نگرانی مردم نسبت به آینده اقتصاد تبدیل شد. بررسی تغییرات نرخ ارز نشان می‌دهد دلار از ابتدای دولت چهاردهم تا پایان سال دوم فعالیت آن، حدود ۲۱۵ درصد رشد داشته است. این افزایش تنها یک تغییر قیمتی نیست؛ چراکه در اقتصاد ایران نرخ ارز علاوه بر اثر مستقیم بر نرخ کالاها، بر انتظارات تورمی، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و رفتار خانوارها نیز اثرگذار است

سکه؛ جهش ۳۳۳ درصدی در دو سال

بازار سکه نیز هم‌راستا با طلا و ارز حرکت کرد. سکه امامی در مرداد ۱۴۰۳ در محدوده حدود ۴۲ میلیون تومان معامله می‌شد، اما در پایان این دوره نرخ آن به حدود ۱۸۲ میلیون تومان رسید. بر این اساس، سکه امامی طی دو سال دولت چهاردهم حدود ۳۳۳ درصد رشد را تجربه کرده است. افزایش نرخ سکه علاوه بر رشد نرخ جهانی طلا و نرخ ارز، تحت تأثیر افزایش تقاضای سرمایه‌ای نیز قرار داشت. در اقتصادی که تورم بالا و نااطمینانی وجود دارد، سکه برای بخشی از جامعه به ابزاری برای حفظ قدرت خرید تبدیل شده است. این موضوع نشان می‌دهد سیاست‌های اقتصادی علاوه بر کنترل شاخص‌های رسمی، باید بتوانند اعتماد عمومی و چشم‌انداز آینده اقتصاد را نیز بهبود دهد.

مسکن؛ بحران اصلی، کاهش قدرت خرید است

بازار مسکن یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی دولت پزشک‌یان بود. در آغاز فعالیت دولت چهاردهم، متوسط نرخ هر متر مربع مسکن در تهران حدود ۸۷ میلیون تومان اعلام می‌شد؛ بازاری که طی سال‌های گذشته افزایش نرخ قابل توجهی را تجربه کرده بود. اگرچه در برخی مقاطع سرعت رشد نرخ مسکن کاهش یافت و معاملات وارد رکود شد، اما مشکل اصلی این بازار همچنان پابرجا ماند؛ کاهش توان خرید خانوارها. فاصله میان درآمد مردم و نرخ خانه باعث شده حتی بسیاری از خانوارهای دارای درآمد ثابت نیز امکان خرید مسکن را از دست بدهند. به همین دلیل، مسئله مسکن امروز فقط افزایش نرخ نیست، بلکه کاهش قدرت خرید و افزایش فشار بر بازار اجاره به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصادی جامعه تبدیل شده است.

نفت؛ برگ برنده اقتصاد در دوره تحریم

یکی از معدود بخش‌هایی که در دو سال گذشته توانست بخشی از فشارهای اقتصادی را کاهش دهد، حوزه نفت بود. افزایش صادرات نفت ایران باعث شد بخشی از منابع ارزی کشور تقویت شود و دولت بتواند بخشی از نیازهای مالی خود را تأمین کند. همین موضوع باعث شد بخش نفت سهم قابل توجهی در رشد اقتصادی داشته باشد و مانع از تشدید برخی فشارهای ارزی نشود. با این حال، اتکای دوباره اقتصاد به نفت همچنان یکی از چالش‌های اصلی محسوب می‌شود. تجربه سال‌های گذشته نشان داده رشد اقتصادی مبتنی بر افزایش صادرات نفت، در صورتی که به توسعه بخش صنعت، خدمات، اشتغال و سرمایه‌گذاری منجر نشود، نمی‌تواند یک مسیر پایدار برای اقتصاد ایجاد کند. مسئله اصلی اقتصاد ایران همچنان این است که چگونه درآمدهای نفتی را به موتور رشد پایدار تبدیل کند؛ رشدی که نه فقط در آمارهای اقتصادی، بلکه در افزایش تولید، ایجاد اشتغال و بهبود رفاه خانوارها نیز دیده شود.

بودجه؛ چالش کسری و منابع محدود دولت

یکی از مهم‌ترین پرونده‌های اقتصادی دولت چهاردهم، مدیریت بودجه و کنترل کسری مالی بود. اقتصاد ایران سال‌هاست با مشکل ناترازی بودجه مواجه است؛ به این معنا که هزینه‌های دولت بیشتر از درآمدهای پایدار آن بوده و این فاصله از مسیرهای مختلف جبران شده است. کسری بودجه، فشار بر منابع بانکی، افزایش بدهی‌های دولت و وابستگی به درآمدهای نفتی از جمله مشکلاتی هستند که می‌توانند آثار خود را در قالب تورم نشان دهند. به همین دلیل، اصلاح ساختار بودجه یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای کنترل پایدار تورم محسوب می‌شود. دولت پزشک‌یان در شرایطی با این مسئله روبرو شد که هم‌زمان باید هزینه‌های جاری کشور، طرح‌های عمرانی، تعهدات مالی و فشارهای ناشی از محدودیت‌های درآمدی را مدیریت می‌کرد.

سخن پایانی

کارنامه دو ساله دولت چهاردهم را می‌توان دوره مدیریت اقتصاد در شرایط دشوار توصیف کرد. دولت پزشک‌یان اقتصادی را تحویل گرفت که با تورم بالا، تحریم، کاهش قدرت خرید، ناترازی انرژی و مشکلات ساختاری مواجه بود؛ در ادامه نیز با شوک‌های سیاسی و نااطمینانی‌های جدید روبرو شد. در این دوره، حفظ جریان صادرات نفت، تلاش برای کنترل برخی متغیرهای پولی، جلوگیری از تشدید برخی بحران‌ها و مدیریت شرایط پیچیده اقتصادی از نقاط مثبت عملکرد دولت محسوب می‌شود. با این حال، شاخص‌های مهمی مانند تورم، نرخ ارز، نرخ طلا و سکه نشان می‌دهند فشار بر معیشت خانوارها همچنان ادامه دارد. بیش از ۲۰۰ درصدی دلار، افزایش بیش از چهاربرابری نرخ طلا و جهش بیش از سه‌برابری سکه، تصویری از اقتصاد تورمی این دوره ارائه می‌دهد. مهم‌ترین آزمون دولت پزشک‌یان در ادامه مسیر، عبور از مرحله «مدیریت بحران» و حرکت به سمت «اصلاح ساختاری» است؛ اصلاحی که باید در حوزه‌های ماند بودجه، نظام بانکی، انرژی، سرمایه‌گذاری و فضای کسب‌وکار دنبال شود. در نهایت، قضاوت نهایی درباره عملکرد اقتصادی هر دولت نه فقط در آمارهای کلان، بلکه در یک شاخص مهم خلاصه می‌شود؛ اینکه آیا قدرت خرید مردم بهبود پیدا کرده و آیا خانوارها آینده اقتصادی خود را با اطمینان بیشتری می‌بینند یا نه.